

آشنایی با حوزه تخصصی جامعه‌شناسی ورزش

از قرن هجدهم، با بزرگ‌تر شدن شهرها و گسترش شهرنشینی، بر اوقات فراغت نیز افزوده شد و این پدیده فرصتی برای اندیشه پیرامون گذران اوقات فراغت فراهم آورد. ورزش یکی از راه‌های شایسته و مورد علاقه‌ی توده مردم برای گذراندن اوقات فراغت است. ورزش به واسطه‌ی ایجاد آمادگی و سلامت جسمانی، به سلامت عاطفی می‌انجامد و فرد را از طریق جامعه‌پذیری، برای کسب ویژگی‌های شخصیتی مطلوب، همچون اندیشه‌ی منطقی، اعتماد به نفس، ایثار و شجاعت همراهی می‌کند. ورزش امکان نظارت و سرپرستی بر رفتارها و عواطف را نیز فراهم می‌آورد، بنابراین مانعی کارآمد برای انحرافات و آسیب‌های اجتماعی تلقی می‌شود. از سوی دیگر، توفیقات ورزشی در حوزه‌ی بین‌المللی، شاخصی برای رشد و توسعه‌ی هر کشور تلقی می‌شود. به دلایل فوق، ورزش مورد توجه متخصصان حوزه‌های علمی گوناگون از جمله تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسان از یک سو، و دولت‌مردان از سوی دیگر قرار دارد.

از دید متخصصان جامعه‌شناسی، ورزش وسیله‌ای مؤثر برای تقویت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، و بنابراین تقویت

شماره ۱۴۱
فصلنامه علمی
دانشگاه پیام نور مرکز رازمین

هویت اجتماعی است. مشارکت در برنامه‌های ورزشی به معنای برقراری روابط اجتماعی، و در نتیجه، کسب نگرش‌های اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، و تقویت ارزش‌های اجتماعی است. کثرت آثار با موضوع «جامعه‌شناسی ورزش» در منابع خارجی، نشان از توجه اندیشمندان اروپایی و آمریکایی به این حوزه دارد. ورزش پدیده‌ای است که مطالعه‌ی آن مستلزم به‌کارگیری رشته‌های متفاوت علوم پایه و انسانی شامل مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست، بهداشت و پزشکی است. جامع‌نگری هنگامی در ورزش تحقق می‌یابد که نقش هر یک از رشته‌های مذکور

در مطالعه‌ی ورزش مشخص باشد. در ایران، حوزه‌ی ورزش کم‌تر از زاویه‌ی علوم انسانی مورد مذاقه و اندیشه قرار گرفته و بنابراین فاقد جامع‌نگری لازم است. معمولاً تحصیل‌های کارشناسان، بدون درک علوم اجتماعی، تک‌سویه‌بین و ساده است. به این معنا که غالباً معمول‌ها را به جای علت می‌نشانند. از آن‌جا که دستاوردهای علوم انسانی هنوز در برنامه‌ریزی ورزشی جای ندارند، تحلیل‌ها با مصالحی ساخته می‌شوند که به راحتی در دسترس هستند و از شناخت علمی جامعه و فرهنگ، و رابطه‌ی متقابل آن‌ها با ورزش، بهره‌ای ندارند. جامعه‌شناسی ورزش را می‌توان

مطالعه‌ی کنش متقابل شرکت‌کنندگان در امر ورزش، اعم از ورزشکار، مربی، هواداران و سازمان اجتماعی دانست. هدف علم جامعه‌شناسی ورزش، تولید دانشی است که برای تفسیر، فهم و تبیین الگوهای رفتار انسانی بین گروه‌های مذکور و حل مسائل اجتماعی در فعالیت‌های ورزشی مفید باشد. جامعه‌شناسی ورزش نوعی آگاهی است که به کنش ورزشی، با توجه به مسائل عمومی می‌نگرد. رفتارهای پرخاشگرانه و یا انحراف در رفتار، استفاده از داروهای غیرمجاز و یا ضعف انگیزه و

انگیزه ناکامی در میدان‌های ورزشی، محض حاصل عوامل روانی و بخشی پیامد ساختار تیم و یا سازمان ورزش است که در جامعه تدوین دیده می‌شود. جامعه‌شناسی ورزش عللی را جست‌وجو می‌کند که برای آگاهی و تحریکات بازیکنان و مربیان و حتی کارشناسان ورزشی است. زیرا رفتارهای گروهی، حتی در ابتدای ترین انواع آن‌ها، بسیار پیچیده‌اند. روندهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی، و شناخت اعضای یک گروه ورزشی نسبت به یکدیگر، حقوق، تکالیف و انتظاراتشان از یکدیگر، هماهنگی بین نقش‌ها، سازگاری، هم‌نوایی، رقابت، تمارض و غیره، در تحلیل جامعه‌شناختی باید هم‌زمان شناخته شوند.

جامعه‌شناسی ورزش، اطلاعات ارزشمندی را در مورد گروه‌ها و انواع فرایندهای درون گروهی در اختیار مربیان، ورزشکاران و برنامه‌ریزان ورزشی قرار می‌دهد. توفیقات ورزشی تا اندازه‌ای بر مبنای پیش‌جامعه‌شناختی مدیران آنان است. دسترسی به دانش شناخت جامعه و فرایندهای اجتماعی ورزش، از مقدمات سازندگی در قلمرو ورزش است. پیش‌جامعه‌شناختی نشان می‌دهد، توفیقات ورزشی تنها تابع خواست مربی و ورزشکار

نیست و نیروهای اجتماعی و فرهنگی بر عملکرد تیم‌ها و گروه‌های ورزش مؤثر هستند. بی‌سبب نیست که در رشته‌ی تربیت بدنی، واحدی با عنوان «مبانی روانی و اجتماعی ورزش» تدوین می‌شود. دستاورد شناخت جامعه، برنامه‌ریزی و هدایت فعالیت‌های ورزشی براساس واقعیات و دانش علمی، در قالب نظریات جامعه‌شناختی است. مطالعه‌ی جامعه‌شناختی ورزش خواننده را قادر می‌سازد، به ورای شناخت عمومی و عادی از ورزش دست یابد.

هنگامی که شرایط اجتماعی، علاوه بر شرایط جسمانی و روانی، به عنوان عامل تعیین‌کننده‌ای در توفیق یا شکست ورزشکاران پذیرفته شد، زمینه‌ی تولید حوزه‌ی جامعه‌شناسی ورزش فراهم آمد.

در سال ۱۹۶۳، رابرت بویل^۱، کار کلاسیک خود را با موضوع «ورزش آینه‌ی زندگی آمریکایی»^۲ منتشر کرد و در همین سال، پیت مک‌ایتاش^۳ نیز اثر پرنفوذش را با نام «ورزش در جامعه»^۴ به دست چاپ سپرد. این امر نشان داد که، صاحب‌نظران بین ورزش و ساختارها، جریانات و تغییرات اجتماعی، رابطه می‌بینند. [Sage, 1986: 10] بنیادهای این علم در سال ۱۹۶۵ پی‌ریزی شد. در سال ۱۹۶۶، اولیسن کفراسن جامعه‌شناسی ورزش با حمایت کمیته‌ای بین‌المللی در «کلن»^۵ برگزار شد.

در سال ۱۹۷۰، این توجه صبیبی دانشگاهی یافت و دانشکده‌ها و دانشگاه‌های آمریکایی قانج تحصیلاتی را در این زمینه تربیت کردند. اولین مقاله در زمینه‌ی جامعه‌شناسی

علم انسانی و مطالعات ورزشی

جامعه‌شناسی ورزش را می‌توان

مطالعه‌ی کنش متقابل شرکت‌کنندگان در امر ورزش، اعم از ورزشکار، مربی، هواداران و سازمان اجتماعی دانست

ورزش، در سال ۱۹۸۰ با نام «به سوی جامعه‌شناسی ورزش» به وسیله ی ژرالد پی. کولتز در مجله‌ی جامعه‌شناسی چاپ شد. این مقاله در سال ۱۹۸۰ در مجله‌ی جامعه‌شناسی چاپ شد. این مقاله در سال ۱۹۸۰ در مجله‌ی جامعه‌شناسی چاپ شد. این مقاله در سال ۱۹۸۰ در مجله‌ی جامعه‌شناسی چاپ شد.

برگزاری اولین کنفرانس جامعه‌شناسی ورزش، حوزه‌ی جامعه‌شناسی ورزش اعلام موجودیت کرد [Sage, 1986: 10]. پژوهندگان این حوزه، اندیشمندانی همچون: لوش و ویز (۱۹۷۲)، پاول و لوی (۱۹۷۵)، بارتون و همکاران (۱۹۷۹)، ایتزن و سیچ (۱۹۸۷)، لوی، مکفرسون، کینیون، اسنایدر (۱۹۷۸) و اسپریتزر، جامعه‌شناسی ورزش را به عنوان مباحثی فرعی از علوم تربیتی دنبال کردند [انوارالخری، ۱۳۸۱: ۱۲].

از جمله متخصصان مباحث گوناگون جامعه‌شناسی ورزش، می‌توان به ایس کش مور^۸ در حوزه‌ی فرهنگ و ورزش، و جیمز ریوردان^۹ و جان هارگریوز^{۱۰} در حوزه‌ی سیاست و ورزش اشاره کرد. مستر^{۱۱} (۱۹۸۸) به همراه مک آلن، به مبارزه‌ی زنان در حوزه‌ی ورزش می‌پردازند.

پیرل و کولتز^{۱۲} نقش رسانه‌های جمعی را در اعطای نقش فروتر به زنان در حوزه‌ی ورزش تفسیر می‌کنند. هابرماس^{۱۳} (۱۹۸۴) از نیروهای بحث می‌کند که حاصل تفسیر انواع ایدئولوژی‌ها، از ایدئولوژی نازی آلمانی تا سوسیالیسم دولتی هستند و بر ورزش تأثیر می‌گذارند [Nixon and Ferry, 1989: 13-14].

جهت‌گیری‌های نظری شناخته شده در جامعه‌شناسی ورزش، شامل: کارکردگرایی ساختاری، مکتب تضاد، کنش متقابل اجتماعی، رویکرد فرهنگی، رویکرد انتقادی و فمینیسم است. تحلیل کارکردگرایی ساختاری در سطح کلان صورت می‌گیرد که ریشه در آرای دورکیم و هربرت اسپنسر دارد و در قرن ۲۰، پرنفوذترین صاحب‌نظران آن، پارستر و مرتن هستند. کارگرداریان علاقه‌مندند بدانند،

چگونه بخش‌های گوناگون ساختار با نهاد‌های نظام اجتماعی یا جامعه، از جمله ورزش، به انسجام، هماهنگی، انطباق و زندگی بهتر کل نظام یا جامعه کمک می‌کند. تحلیل تضادی، برعکس به تضاد اجتماعی، رقابت، استثمار اقتصادی، و محرومیت از سیاست می‌پردازد و تغییر را جزئی به هنجار از جامعه تلقی می‌کند که مهم‌ترین نظریه پرداز آن مارکس است. مکتب کنش متقابل نمادین در سطح خرد، به موضوع معنای ورزش از دیدگاه اشخاص می‌پردازد. از نظر جامعه‌شناسان ورزش، ورزش و بسیاری دیگر از انواع کنش‌های متقابل در جامعه یکسان هستند. این همان بخشی است که «جامعه‌شناسی از طریق جامعه‌شناسی ورزش» نام دارد. منشأ این رویکرد و بر آنست که به فهم حیات اجتماعی اهمیت می‌دهد. این دیدگاه با پیگیری‌های مید و کولی اوج گرفت. تأکید آن بر معنای ورزش از دیدگاه و موقعیت افراد گوناگون شامل ورزشکار، مربی، داور و... است. رویکردهای جدید جامعه‌شناسی، برخی ادامه‌ی نظریه‌های سنتی هستند و برخی در نقد آن‌ها پدید آمده‌اند. برخی بر تغییر فرهنگی تأکید دارند، برخی بر تحلیل انتقادی و برخی نیز ترکیبی از این دو. رویکرد تغییر فرهنگی، به ایجاد عملکردهای فرهنگی یا برقراری رابطه بین آن‌ها و مبارزه‌ی بین آن‌ها می‌پردازد؛ مبارزه بین گروه‌های متنوعی که می‌کوشند، بر معناسازی و نمادهای فرهنگی نظارت کنند. رویکرد انتقادی معمولاً بر فرهنگ و ساختار اجتماعی مسلط تمرکز دارد؛ به نحوی که به سرمایه‌داری و نژادگرایی می‌پردازد و محرومیت سیاسی اقتصادی را روشن‌تر بیان می‌کند. از جمله افرادی که به صورت ترکیبی، رویکرد انتقادی و فرهنگی را به کار برده‌اند، می‌توان به مک آلن و بورديو اشاره کرد. بورديو می‌گوید، حرفه‌ای کردن



مجله‌های عمومی داخلی

از جمله مجله‌های عمومی که به جامعه‌شناسی ورزش پرداخته‌اند، می‌توان به مجله‌ی «فرهنگ عمومی»، وابسته به شورای عمومی انقلاب فرهنگی اشاره کرد که در سال ۱۳۷۴، یک شماره را به این موضوع اختصاص داد. مجلات دیگر نیز، همچون: پژوهش و ورزش، تربیت بدنی، پیک سلامتی، زیور و ورزش، ورزش و ارزش، و طب ورزشی، به طور پراکنده مقاله‌هایی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی ورزش به چاپ رسانده‌اند.

زیر نویس:

1. Robert Boyle
2. Mirror of American life
3. Peter Mc Intosh
4. Sport in society
5. Cologne
6. Gerard S. Kenyon
7. John W. Loy
8. Ellis Cashmore
9. James Riordan
10. John Haegreaves
11. Messner
12. Birrel and Coles
13. Haberman
14. Agger
15. Cook
16. Berkowitz
17. Globalization

منابع:

- انورالخولی، امین (۱۳۸۱). جامعه و ورزش. ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی. سمت. تهران.
- Nixon II, Howard L and Fery James. H (1989). a Sociology of sport, International Wadforth Publishing Company.
- Sage, George H. (1986). Sport Sociology, Normative and non normative: Playing the same song over and over and... in Greenwood and Yundt, Sociology of Sport Perspectives, USA, Leisure press.

۱۹۹۳]. به سبب وجود بازی‌های بین‌المللی و المپیک، و نیز جام جهانی فوتبال، مسائلی همچون بایکوت بازی‌های جهانی و ترور در سطح بین‌المللی مطرح می‌شود. بنابراین، در این زمینه‌ها به رویکردهای بین‌المللی و بین فرهنگی نیاز داریم. به علاوه، ما نیازمند آئیم که ورزش را از بعد جهانی شدن^{۱۷} نیز مطالعه کنیم [Nixon and Fery, 1989: 9-16].

موضوعات اصلی و روشن این حوزه عبارتند از: تحول ورزش، ورزش و جامعه (طبقه‌بندی و قشربندی اجتماعی، جامعه‌پذیری و...)، ورزش و اقتصاد، ورزش و سیاست، ورزش و فرهنگ، ورزش و مذهب، ورزش و جنسیت، ورزش و تحصیلات، ورزش و معلولان، ورزش و رسانه‌ها، ورزش و انحرافات اجتماعی. در ادامه، به معرفی برخی از مجله‌ها و کتاب‌های منتشرشده درخصوص جامعه‌شناسی ورزش پرداخته می‌شود.

مجله‌های تخصصی داخلی

فصلنامه‌ی «نامه علوم اجتماعی»، مجله‌ی تخصصی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران که در سال ۱۳۸۱، یکی از شماره‌های خود را به موضوع جامعه‌شناسی ورزش اختصاص داد.

● حرکت، مجله‌ی دانشکده‌ی تربیت بدنی دانشگاه تهران.

● المپیک، مجله‌ی تخصصی آکادمی ملی المپیک.

برخی مجله‌های تخصصی خارجی

- Sociology of Sport
- Sociology of Sport Journal
- North American Society for Sociology of Sport (NASSS)
- International Review for the Sociology of Sport

روزافزون ورزش، دست افراد عادی را از ورزش کوتاه و آنان را به تماشاچی تبدیل کرده است. به عبارت دیگر، حرفه‌ای شدن ورزش در مقابل آماتوریزم قرار گرفته و موجب شده، تماشاچی‌ان به جای فعال بودن در قلمروی ورزش، به سوی اعمالی همچون شادی بسیار و حساسیت زیاد نسبت به نتیجه‌ی بازی، در قالب رفتار خشونت‌آمیز، هدایت شوند.

فمینیسم یکی دیگر از رویکردهای انتقادی جامعه‌شناسی مدرن و جامعه‌شناسی در کل است. فمینیسم معمولاً ورزش را از زاویه‌ی روابط جنسیتی بررسی می‌کند یا به ساختارهایی می‌پردازد

که موجب سرکوبیت و تبعیض جنسیتی می‌شوند و منطبقی بر زمانه را در جامعه و ورزش قوت می‌بخشند. این نظریه بر موانع مشارکت زنان در ورزش، موانع کسب پست‌های کلیدی توسط زنان، و تلاش برای مقابله با حذف آنان از ورزش تأکید دارد. رویکردهای دیگری نیز هستند که به امر ورزش می‌پردازد، از جمله: فراساختارگرایان یا فرامدرن [اگر]

[۱۹۹۱]، نظریه تغییر اجتماعی [کوک^{۱۵}،

[۱۹۸۷]، تحلیل شبکه‌ی اجتماعی

[برکوویتز^{۱۶}، ۱۹۸۷ و نیکسون،

